



خداوند به انسان اختیار (اقتدار) می دهد که بر خلقت حکومت کند. خداوند مردم را به عنوان رهبران تعیین می کند و اختیارات مربوطه را به آنها می دهد. از همان ابتدا مشخص است که به افراد یک حوزه مسئولیت داده می شود و آنها به طور خودکار بر آن اختیار می گیرند.

"اقتدار یک اصل الهی است. هدف اصلی اقتدار حمایت و کمک به مردم به عنوان حاملان اقتدار است تا آنها به توانایی های کامل شان برسند."

اقتدار به معنای ایجاد یک محیط امن است. مکانی که در آن افراد میتوانند با یادگیری، توسعه، تکثیر و هدایت شدن دوباره، به خودشان برسند. خداوند برای ابلاغ اصول ملکوتش اختیار داده است.

مقامات این اختیار را دارند که چگونه از قدرت خود استفاده کنند. آنها می توانند از قدرت-شان برای خدمت و رساندن دیگران به سرنوشت شان استفاده کنند. اما آنها همچنین می توانند از آن برای منافع شخصی خود استفاده کنند.

این شگفت انگیز است که خدای پدر افرادی را برای رهبری قوم اسرائیل انتخاب می کند. آنها همیشه آنگونه افرادی نیستند که من و تو ممکن است انتخاب کنیم.

ابراهیم و نوح بر اساس زندگی پارسایی شان انتخاب شدند زیرا آنها به دستورات خدا گوش دادند. همانطور که من ترجمه می کنم، پارسا بودن به معنای "انجام آنچه خدا می گوید" میباشد.

هر دو نفر یاد گرفته بودند که به ندای خدا اعتماد کنند.

داوود

داوود مرد مطابق میل خدا بود. علیرغم زنا و قتل اوریا، به نظر می رسید که خدا درست به قلب او مینگریست. داوود کوچکترین عضو یک خانواده پرجمعیت بود و باید از گوسفندها مراقبت میکرد. در آنجا او یاد گرفت که خدا را بشناسد و صدای او را بفهمد. شما فکر میکنید که پس از شکست دادن جلیات غول پیکر، راه به سمت کسب تاج و تخت و قدرت بر قوم خدا برایش هموار شد. داوود نبوت هابی دریافت کرد، توسط سموئیل به پادشاهی مسح شد، اما شائول نسبت به داماد خود، داوود حسادت کرد. داوود سرانجام مجبور به فرار شد و در مکان های متروک زندگی میکرد. مردانی که از او پیروی کردند میخواستند به خاطر شخصیت او از او پیروی کنند، نه به این دلیل که به او منصبی داده شده بود.

راحاب

راحاب فاحشه ترجیح داد مردان اسرائیلی را که برای جاسوسی در سرزمین او آمده بودند از مردان شهرش پنهان کند. او با این عمل ناجی خانواده اش شد. او خدای اسرائیل را انتخاب کرد نه خدایان خود را. به دلیل اعتماد او به خدای اسرائیل و اقتدار او، خانواده اش در امان ماندند.

در عهد جدید، می بینیم که چگونه عیسی دوازده مرد را انتخاب کرد. عجیب است که او رهبران روحانی یا کشیشان را انتخاب نکرد، بلکه ماهیگیران، یک باجگیر و یک جنگجوی راه مقاومت را برگزید. ما میخوانیم که چگونه عیسی برای اولین بار در مورد ملکوت جدید،

مثال هایی زد. او قدرت ملکوت خدا را از طریق معجزات بسیار نشان داد. سپس به دوازده پیروان خود اختیاراتی را که خودش داشت، داد.

از نمونه های عهد عتیق و جدیدی می بینیم که تربیت عامل مهمی در تکثیر است. عیسی این کار را بسیار دانسته و سنجیده انجام داد. او همیشه با شاگردانش همراه بود. مخصوصاً آنها بیشتر با هم یکجا غذا میل میکردند. مثال بزرگ او این نیست که او تنها رهبری بود که بر پیروانش تسلط داشت، بلکه او کسی بود که همیشه در کنار آنها بود و به آنها خدمت میکرد.

"اقتدار قدرتی است که خداوند به شما برای مقام و ایفای نقشی در حوزه مسئولیت شما میدهد که با هویت شما مطابقت دارد. قدرت اعمال آن اقتدار، برای محافظت از افراد تحت اقتدار شما، مراقبت از آنها و تکامل آنها به سمت ثمربخشی است."

شیطان جعلکاری است که سعی می کند بر حوزه ای که خدا به شما سپرده است تسلط پیدا کند. این حوزه میتواند خانواده شما، کسب و کار شما، مدرسه یا کارخانه و غیره باشد. شیطان همیشه در تلاش است تا شما را به عنوان یک شخصیت با اقتدار، تحت کنترل خود درآورد تا بر خانواده، تجارت یا مدرسه و غیره قدرت و تسلط پیدا کند.

وقتی شما به عنوان یک رهبر، تحت تسلط پادشاه خود عیسی زندگی می کنید، بر شیطان و قلمرو اهریمنی او اقتدار دارید.

دک تکلیف

- نظر خود را در مورد اقتدار (و احتمالاً چگونه این درس آن را تغییر داده است) به اشتراک بگذارید.
- آیا تجربیات ناخوشایندی در زندگی شما وجود دارد که توسط رهبران یا شخصیت های معتبر ایجاد شده باشد؟ بهتر است تا اینها را به اشتراک گذاشته و در مورد آنها با هم یکجا دعا نمایید تا زخم ها و دردهای عمیق شما شفا یابند.
- یک لحظه به درس DNA نگاه کنید. همانطور که در این درس دیدیم، با DNA شما همیشه اقتدار پدید می آید. پس چه حوزه هایی را می بینید که خداوند به شما امانت سپرده است و اختیار معنوی خود را که بالای آنها دارد، به شما می دهد؟
- سعی کنید ببینید در چه زمینه هایی در آن اقتدار ایستاده اید و در چه زمینه هایی نیستید.
- آیا می توانید دریابید که چه چیزی شما را از راه رفتن با اقتدار سالم در آن حوزه ها باز می دارد؟
- دوست دارید برای رشد در اقتدار سالم، چه گام هایی بردارید؟

اصل ششم

اقتدار قدرتی است که خداوند به شما برای مقام و ایفای نقشی در حوزه مسئولیت شما میدهد که با هویت شما سازگاری دارد. قدرت اعمال آن اقتدار، برای محافظت از افراد تحت اقتدار شما، مراقبت از آنها و تکامل آنها به سمت ثمربخشی است.

